

مراسم باشکوه تهنیزه‌داری

در سلسله سلاطین قطبشاهی

سلاطین قطبشاهی که از ۹۳۵ هجری در گلکنده دکن بسطنت نشستند در ۱۰۹۸ بدست اورنگزیب منقرض گشتند، شیعیان خالص و مخلص بودند و با سلاطین صفویه روابط حسنه داشتند و در ترویج مذهب حقه امامیه مانند ایشان اهتمام میورزیدند.

بعضی ازین سلاطین شاعر بوده و در منقبت و مرثیت ائمه (ع) اشعار بلندی سروده اند. از آنجمله سلطان جمشید قطبشاه (۹۵۰ - ۹۵۷ هـ) که جمشید تخلص میکرد، در مدح مولای متقیان قصیده‌یی دارد بمطلع ذیل :

ای بتو ختم ملک زیبایی
کار عشق از تو یافت بالایی
و از ابیات آنست که :

شاه هر دو سرا علی ولی
بنده اوست چرخ خضرایسی
آن شهی تو که خضرازدل و جان
میکند بر در تو سقایی

دیگر سلطان محمد قلی قطبشاه است (۹۸۸ - ۱۰۲۰) که قطبشاه تخلص داشته و شاعری قادر بوده و در مرثیت حضرت سیدالشهداء و منقبت ائمه‌هدی (ع) ترکیب‌بند و اشعار بلندی دارد. ابیات ذیل از ترکیب‌بند اوست که در اقتفای محتشم سروده :

امروز روز ماتم سلطان کربلاست	روح الامین زخاک‌نشینان کربلاست
شوراب‌دیده موج‌بگردون رسانده‌است	کشتی نوح غرقه طوفان کربلاست..
باز این چه ماتمست که پشت جهان شکست	صد تیر آه در جگر آسمان شکست
باز این چه ماتمست که از جوش العطش	خوناب‌گریه در گلوی تشنگان شکست
از موج خیز حادثه طوفان نگه کنید	آیین فتنه‌سازی دوران نگه کنید
در راه کعبه خار مغیلان شنیده‌اید	در جان کعبه خار مغیلان نگه کنید..

واحسرتا که سرور دنیا و دین نماند
رفت آنکه داشت قفل نه افلاک از و فتوح
همچو نوحه یی بطرز سینه زنان ایران دارد که از آنجاست :
از ماتم شهیدان، واحسرتا و دردا
خیر البشر ازین شر، چون گل بخون نشسته
زین محنت فراوان، واحسرتا و دردا..
دیگر سلطان محمد قطبشاه است (۱۰۲۰-۱۰۳۵) که ظل الله تخلص میکرده و در لغت و مدح اشعاری دارد که از آنجمله :

مصطفی و مرتضی چون نیستند از هم جدا
نعت و مدح هر دو شه را میکنم باهم ادا ..

ایضا

بعد ذکر مصطفی و ذکر شاه اولیا
خوش بود ذکرده و دو جمله خاصان خدا..
ظل الله شاعری غزلسرا بوده و غزلهای شیرین و خوبی دارد، و در مرثیه حضرت سیدالشهدا ترکیب بندی گفته که از آن نیز ابیاتی نقل میشود :

آمد محرم و غم دل بر ملاست باز
در دهر شور و زلزله کربلاست باز
آگه ز حال عالم بالا نیم و لیک
دور فلک چو حلقه ماتمراست باز . . .
دوران غم ز ماه محرم رسیده است
هنگام آه و ناله و ماتم رسیده است
تزدیک شد که دود بر آید ز نه فلک
بر چرخ بسکه آه دمام رسیده است ...
واحسرتا که فتنه دوران زحد گذشت
رنج و بالای شاه شهیدان زحد گذشت
واحسرتا که بر شه دنیا و دین حسین
بیداد اهل فتنه و طغیان زحد گذشت..
آن دور ماتمست که از غم امان نماند
آن عهد غم که طاقت و تاب و توان نماند
از زندگی خلق جهان در تعجبم
بعد از چنان قضیه که شاه جهان نماند ...
در کربلا هجوم بلا را نظر کنید
جمعیت بلا همه یکجا نظر کنید
بر حلق تشنه از دم تیغ آب داده اند
احوال دوستان خدا را نظر کنید ...
ناکام شد امام و شدش خصم کامگار
آه و فغان ز بلعجیهای روزگار
عالم چنان بر آل نبی تیره شد که نیست
امید روشنی مگر از آه پر شرار ...
سلاطین قطبشاهی از آغاز ماه محرم تا روز عاشورا را بشکوه و جلالی هر چه تمامتر مراسم

تعزیه‌داری حضرت سیدالشهدا را برپا میداشتند ، و خود باتمام ارکان دولت در آن شرکت می‌جستند و سوکواری میکردند .

نظام‌الدین احمد صاعدی شیرازی در کتاب *حديقة السلاطين* که مشتملست بر ذکر احوال و سوانح دوران هفتمین پادشاه این سلسله (=سلطان عبدالله قطبشاه) از زمان ولادت (۱۰۲۳هـ) تا نوزدهم سال سلطنت وی (= ۱۰۵۳هـ) ازین مراسم باشکوه که خود شاهد و ناظر آن بوده بتفصیل یاد کرده، و ما نوشته او را عیناً نقل میکنیم تا شیعیان پاك عقیدت بدانند که با عظمت مقام سلطنت اخلاص و ارادت چه میکند:

«ذکر ماتم و تعزیه داشتن شهادت حضرت سیدالشهدا علیه التحیه و الثناء در ایام غم انجام عاشورا و بیان رسوم و قانون این عزای پررنج و عنا که مخصوص سلسله علیّه رفیعہ قطبشاهیست

در این سرای بوقلمون عیش با غمست
گر گلشن است دهر، خزانش محرمست
ترك طرب کنند خلائق درین عزا
کر ذکر قصه شهدا دیده پر نمست
رسم عزای قتل جگر گوشه رسول
از قطبشاه شهرة آفاق عالمست

رسمیست قدیم و قانونیست مدیم از ابتدای سلطنت خاندان علیّه عالیّه قطبشاهی خصوصاً از زمان خاقان جنت بارگاد محمد قلی قطبشاه طاب ثراه، و درین زمان سعادت و میمنت مآل ابدی الاتصال سلطان یوسف جمال‌سکندر اقبال بر نسبت سابق بازواید و لواحق معمول و مرسومست که هلال پر ملال ماه محرم که مثابّه شقه علم عساکر الم و مثابه ماهیچه لوای افواج کربت و حشم غم است. از کنار آسمان کدورت بنیان نیلگون غریق دریای خون مشهود ساکنان این دیار عقیدت دثار و منظور محبان حیدر کرار و معتقدان ائمه اطهار علیهم السلام الله بعدد اقطار الامطار گردد، بجهت رسوم تعزیه شهادت حضرت سید الشهداء و غریبی و بیکی شهیدان ستمدیده دشت کربلا. بنا بر متابعت روح مقدس محزون محطفای معلی و موافقت نفس اقدس معصوم و مهموم مرتضای مزکی و بتول زهرا و مراقبت قلوب پر مالالت ائمه هدی (ع) خسرو جهاندار عالم مدار از او رنگ زرنگار خورشید آثار فرود آیند و بساط نشاط در نور دیده عیش و عشرت بدرود فرمایند، و افسر مهر شعاع از فرق فرقد ارتفاع بردارند، و لباس سلطنت و کسوت شهریاری بجامه عزا و سوگواری مبدل سازند، و طربسرای سینه و دل پر شکوه را مأوای حزن و اندوه گردانند، و امر جهان مطاع بجمیع ممالک محروسه صادر فرمایند که در تقاره‌خانههای فلک رفعت دست از نوازش کوس و تقاره و طبل و دمامه باز دارند، و ارباب ساز و نغمه آلات صنعت خود در غلاف کرده از ارتکاب عمل خود مجتنب باشند، و بجمیع خوانسالاران و چاشنیگران حکم معلی شرف نفاذ یابد که در مطبخ خاص و عام مطبخیان و باورچیان ادخال لحوم در اغذیه و اطعمه خاصه و خرجی نمایند، و در بازار و محلات حکم فرمایند که دکاکین تا ری و سندی و بنگ و مغیرات حرام و حلال در ایام عاشورا ببندند، و

قصایها قناره‌ها از بازار بردارند، و تنبولیان تنبول ن فروشند، و کسی مباشر خوردن گوشت و تنبول نشود، و حجامان در حمامات سر تراشند و کیسه نمالند. بالجمله جمیع تکلفات و لذات محرمة و مباحه متروک و ممنوع میباشد. و احکام مذکور بر جمیع مسلم و کافر و طبقات آنان در این ایام غم انجام در ممالک محروسه جاری میدارند، و از جامه دار خانه عامره چند هزار دست رخت سیاه و کبود با عصاهای سبز و سیاه و آبنوسی که لازمه عزا و ماتمت بجمیع قربان بساط گیتی انبساط و امرا و وزرا و مجلسیان و باکتر ملازمان و بندگان بارگاه جهان پناه و ذاکران و مداحان قسمت می‌نمایند، و دو عمارت عالی اساس منیع الکریماس یکی درون دولتخانه گیتی نشانه و دیگری در بازار دارالسلطنه ساخته اند، صحن این دو ایوان وسیع را بفروش سقرلاط سبز و سیاه مفروش مینمایند، و سقف آنرا بمخمل اطلس کبود می‌پوشند، و دیوانهای آن ایوان کاشی کاری الوان که ادعیه و دوازده امام بطرحی مرغوب و مطبوع منقوش است نموده اند و در هر یک از این دو عمارت چهارده شده باسم چهارده معصوم علیهم سلام الله الملك القیوم با سرطوقهای پولاد و معصص بطلا و نقره که استادان نادر و هنرمندان ماهر بطریق کارنامه آنها را ساخته اند، و زربفت‌های چهارده ذرعی که سور قرآنی و ادعیه مأثوره شعرافان کامل سرکار عالی بطرح دلفریب و باکمال زینت و زیب در آن بافته اند، بر آن شده‌ها پوشیده بر سرپای میگذارند و در جدار فضای وسیع آن دو عمارت ده صف طاقچه تعبیه کرده اند موازی یکدیگر و در هر یک طاقچه جای چراغی ساخته اند موازی یکدیگر، در شب اول مقرر است که صف اول از پائین چراغان میکنند، و در شب دوم صف اول و دوم، و در شب سوم صف اول و دوم و سوم، و برین قیاس هر شب یک صف زیاد میشود تا در شب دهم جمیع صفوف دهگانه روشن و چراغان میکنند، چنانچه مجموع چراغها از ده هزار متجاوز میشود، چراغدانهای بزرگ برنجی که در هر یک صد و دو یست شمع چراغ روشن میشود بصورت اشجار هر شاخ ساخته از برابر ایوانهای مذکور گذشته و شمعیهای کافوری بلندتر از قامت آدمی بالای ایوان و اطراف حوض آن چیده هر شب روشن مینمایند، و سیاه پوشان عزای سیدالشهدا و عزاداران شهدای دشت کربلا صبح وشام بلکه علی‌الدوام در آن مقام حاضر میباشند، و جمعی از ذاکران خوش آواز و خوشخوانان نغمه پرداز مرثیه‌های دلسوز و اشعار غم‌اندوز بناله‌های حزین و دل‌اندوه‌گین میخوانند، و مستمعان عزادار و ماتمیان دلفکار را برقت و گریه درمی‌آورند، و مداحان مدایح و مناقب ائمه معصومین و مطاعن اعدای دین و دشمنان ذریه سید المرسلین با هنگهای حزین می‌سرایند،

مجلس ماتم داران از جوش و خروش ذاکران گرم ، و دل‌های عزادارن از آتش حزن و اندوه نرم .

رباعی

دلها همه زائش عزا بریانست چشمان همه دم ازین الم گریانست
در سینه همیشه سوز ازین ماتم هست از دیده همیشه اشک در جریانست

و وقت عصر از قصر داد محل اعلی حضرت خاقان یوسف جمال سکندر اقبال ملبس بلباس بنفش و آل به مرکب بغایت نرم رفتار یا برسنگاسن مخمل و اطلس سیاه که بجهت ایام عاشورا ترتیب داده اند سوار شده و جمیع مقرران و مجلسیان و امرا و وزرا و طبقات چاکران همه سیاه پوش و دوش بر دوش همراه مرکب آسمان رنگ بایوان الاوه توجه میفرمایند و دو مداح خوش آواز بر جانب یمین و یسار سنگاسن آفتاب مسکن بخوانند مرثیه‌هایی که از جمله واردات طبع خسرویت اشتغال می‌نمایند ، و چون بعمارت الاوه میرسند از دروازه آن ماتم سرا پیاده شده برهنه پای باندرن ایوانی که شده در آن گذاشته اند درمی‌آیند، و بدست مبارک خود تسبیح‌های گل بر شده‌ها می‌بندند ، و وقت شام شمعی کافوری و چراغهایی که در برابر ایوان گذاشته اند یک یک بدست مبارک روشن می‌نمایند ، درینوقت ذاکران بمرثیه خوانی و مداحان بخوانند مدایح حضرت ائمه معصومین مشغول میگردند، و بعد از فراغ از گل بندی و روشن کردن شمع و چراغ خطیب فصیح بلیغ پیش صفوف خدام پادشاه گیتی پناه ایستاده برای ترویج ارواح شهدای کربلا و حصول ثواب عزای سیدالشهدا و خلود سلطنت خسرو عالم آرا باواز بلند و عبارات دلپسند فاتحه میخوانند، و بعد از آن حضرت اعلی سجده شکر توفیق این عبادات بجای آورده متوجه قصر و محل دولتخانه میشوند ، و مجلسیان رفیع‌الشان و امرای عالی‌مکان در خدمت پیشوای عالمیان در ایوان الاوه فرار میگیرند، و قصه پر سوز واقعه کربلا و شداید محن و مصائب سیدالشهدا استماع مینمایند ، و بجای اشک خون از دیده میریزند ، و بعد از فراغ از مراسم تعزیه کندوری که بغیر از گوشت انواع تکلفات در اطعمه و اغذیه نموده اند صرف میکنند، و پیش هر کس طبقه‌چینی از نان ریزه که بقرنفل و هل و نبات و اشیاء خوش طعم که بمنزله تنبول است میگذارند ، و بیالهای شربت نبات و قند با گلاب آمیخته در خوانهای بزرگ گذاشته بمجلس می‌آورند و بتمام اهل مجلس مکرر میرسانند ، و ذاکران و مداحان بنوبت ذکر و مدح میخوانند ، تا نصف شب مجلس تعزیه و ماتم برین وجه داشته میشود ، و همچنین در الاوه بیرون

دولتخانه عالی که بحواله کوتوال شهرست، رسوم و آداب تعزیه بطریقی که در الاوه اندرون معمولست بعمل می‌آید، و دران الاوه نیز جمعی کثیر از مجلسی و سلحدار و مردم تجار و جمله اهل شهر از خواص و عوام جمع میشوند، و رخت سیاه برنست الاوه حضور بمردم قسمت مینمایند و کندوری و نان ریزه‌یی نیز بهمان طریق صرف مینمایند، جمیع اخراجات و تکلفات این الاوه نیز از سرکار فیض آثار واقع میشود، تا نحف شب بمراسم ماتم و عزا و ذکر مداحی و خواندن روضه‌الشهدا اشتغال میدارند، و در سی چهل محل دیگر چه در دارالسلطنه و چه در حوالی و نواحی شهر از اقوام و اقربا و منسوبان خاقان ثریا مکان مثل قصبه حیات آباد و کلثوم پور و بالاپور و خیرت آباد و لنگر فیض اثر و فیلخانه و طویله و کارخانجات دیگر، رسوم ماتم و عزا در ایام عاشورا بعمل می‌آورند، و کل ما بحتاج و انواع تکلفات این الاوه‌ها از سرکار اشرف سامان می‌یابد، و شب ششم محرم شده‌های الاوه بیرون دولتخانه که بحواله کوتوال است، مقرر است که بمیدان وسیع‌الفضای داد محل بیاورند، و راسته بازارهای راه و اطراف میدان را چراغان بکنند، و تابوت و گنبدها بغایت زیب و زینت و بانواع تکلفات نقاشی نموده، درون و بیرون آنها بسیار روشن کرده با شده‌ها می‌آورند، و از چوب صور اشجار عظیمه و هیاکل جسمیه ساخته آنها را نیز چراغان انبوه کرده فانوس بسیار و مشاعل بیشمار پیش پیش شده‌ها میرند و جمع کثیری از عرب و عجم و شیعیان و محبان ائمه مطهر محترم دورویه شمع‌بندست گرفته و ذاکران و مداحان در میان بمرثیه خوانی و مداحی اشتغال مینمایند، و بدین آیین بتأنی بمیدان داد محل می‌آیند، و در پای داد محل چراغان برده‌ور و شده‌ها در میان و مجموع سیاه پوشان و ذاکران در اطراف می‌ایستند، و جوش و خروش عزاداران و اهل ذکر بطبقه چهارم داد محل که مثابه فلك چهارم است میرسد، و در آن شب اعلیحضرت خاقان یوسف جمال از بالای داد محل آن مجمع پر چراغ را که مشابه سینه‌های ماتم‌زده پر داغ یالاللزازی که در صحرای کربلا شگفته باشد مشاهده نموده از شور و شیون عزاداران سرور شهدا رقتی فرموده بجهت سیاه پوشان دلفکار خوان نان ریزه از حضور ارسال میدارد، و کوتوال مذکور با سایر خالایق فاتحه دوام حشمت و خلود سلطنت خسرو سکندر اقبال خواننده، بآیین سابق به الاوه مراجعت مینمایند، و همچنین تا آخر ایام عاشورا هر شب از الاوه‌های محلات مذکور شده‌ها می‌آورند، خصوصاً شب هفتم از حیات آباد که منسوب بعلیا جناب مریم انتساب والدۀ مکرم اعلیحضرت خاقان سکندر شاست، شده‌ها و سرطوق‌ها بهمان روش با چراغها و فانوس و مشعل

بسیار و از چوب، صور متنوعه و چوب‌بندهای مختلفه ترتیب داده با چراغان انبوه و چندین هزار آدم از جمیع مجلسیان و امرا و وزرا جمعیت عظیمی نموده باتفاق سرخیل‌شاهی که اهتمام این امور به مشارالیه مرجوع است بمیدان داد محل در می‌آیند، و جمیع دکاکین از بالا و پائین و میدان دادمحل را چراغان بسیار میکنند، و اعلیحضرت خاقان یوسف جمال از فراز دادمحل ملاحظه جوش و خروش عزا داران و چراغان نموده بهمان دستور نانریزه ارسال میدارند، و این جماعت بعد از ساعتی مراجعت مینمایند، و صبح هفتم محرم اعلیحضرت خاقان سکندر حشم بقصر فلک رفعت ندی محل تشریف حضور و افرالنور ارزانی داشته در شاه‌نشین آن ایوان بر سر پای میایستند، و حجاب عظیم‌الشان فرمانروای ایران و خسروبلاد هندوستان را که در دارالسلطنه اند طلب مینمایند، و جمیع مجلسیان و امرا و وزرا و مقربان و کل طبقات چاکران همه سیاه‌پوش بتوره و ترک در محل و مقام خود ایستاده می‌شوند، و شده‌های الاوه اندرون و بیرون و شده‌های لنگر فیض اثر و شده‌های حیات‌آباد و محلات مذکور دیگر را از دروازه‌امام دوازده امام بدرون دولتخانه طلب می‌نمایند، و با شده‌ها کل خلاق شهر را بارعام میدهند، و سایر انام از کفر و اسلام هجوم عام نموده در میدان و فضای ندی محل بکثرت و انبوهی روز محشر مجتمع میشوند، و بترتیب شده‌های محلات را از نظر اقدس اعلی میگذرانند، و در آن وقت شور و شیون عزا و ماتم بگوش ساکنان عرش اعظم میرسد و ناظران صورت واقعه مصیبت‌زدگان دشت کربلا و محنت و اسیری و گرفتاری سراپرده نشینان حرم محترم آن زبده آل عبا از تابوتها و محفها و گنبدها بنظر اعتبار در آورده بی‌اختیار اشک بر رخسار میریزند، و خسرو گیتی پناه از مشاهده شور و شیون و تصور مظلومی و گرفتاری سرور شهدا در ارض کربلا و محرومی از معاون و مددکار در آن دشت پر غدر و جفا رقت تأسف آمیز میفرماید، و عاملان جامه‌دارخانه عامره مأمور میشوند که شده هر الاوه را که بنظر درمی‌آورند بحضور طلب نموده یکعقد شده پوش ابریشمی بر آن بسته، خریطه زری بخادمان آن شده عنایت مینمایند، و شده‌های جمیع محلات بتشریف و انعام خسروی مشرف شده، وقت ظهر از دولتخانه گیتی‌نشانه برمیگردند، و در شب هفتم محرم خاقان یوسف جمال سکندر اقبال بطریقی که مذکور شد، از قصر دادمحل به الاوه حضور تشریف و افرالنور آورده، بعد از فراغ گل‌بستن و شمع و چراغ روشن‌نمودن حجاب عالیشان سلاطین زمان را طلب نموده در محل تعزیه قرار میگیرند، و ارکان دولت و اعیان حضرت و سایر مقربان سریر سلطنت همه سیاه‌پوش، جایجا در محل و مقام خود بخدمت قیام مینمایند، و قصه مصائب شهدای دشت کربلا و قضایای محنت و کربت سرور شهدا را استماع

میفرمایند و دل و دیده را بموافقیت روح مکرم مصطفی و دل اندوه گین مرتضی محزون و گریان میسازند ، و اهل مجلس بگریه و شیون می پردازند ، و در شب نهم محرم الحرام مقرر است که شده های الاوه اندرون دولخانه عالیه را بمیدان وسیع فضای در بار خسروی می آرند ، در آن شب اعلیحضرت خاقان یوسف جمال بعد از فراغ از خدمت گل بستن و شده ها را آراسته نمودن ، شمعهای کافوری خاصه رابست مبارک بجمیع مجلسیان و مقربان و حجاب عظیم الشان قسمت مینمایند ، و سپهسالار بکل ساجداران و عساکر نصرت نشان تقسیم میکنند ، و شمشیر خاصه را بدست سرخیل شاهی داده با جمیع مجلسیان و سرداران و اعیان و اکابر رفیع الشان با جمیع چاکران در گاه از اعلی و اوسط و ادنی شمعها بدست گرفته با مشعل و چراغ و فانوس بسیار شده ها را از دروازه آلاوه بر آورده بمیدان دربار روان میفرمایند ، و پیش ایوانهای میدان دربار را از روی زمین قریب بارتفاع چهارده پانزده ذرع بطراحی دلپذیر و صور فیل و شیر و اشجار سرو و غیر هم خوب منت نموده و چهارطاق آن میدان را که هر یک سربفلك اخضر کشیده از پائین تا بالا نیز بهیأت طاقها و محرابها و اشجار انواع طراحی نموده مجموع آنها را در آنشب چراغان انبوه میکنند ، و تمام فضای میدان را نیز چوبند نموده چراغان میکنند ، اعلیحضرت خاقان یوسف جمال با جمعی از اخص خواص از بالای دیوار عریضی که از کنار آن دیوار شده ها روان شده بر بالای طاق رفیع که از جمله چهار طاق میدانست برمی آیند ، آن میدان و آن ایوانها و طاقهای بلند مذکور از پائین تا بالا چراغان شده یکباره بنظر اشرف درمی آورند ، خلائق از شریف و وضع و کبیر و صغیر و ذکور و اناث زیاده از حد و حساب در آن میدان عالم پهنا جمع آمده تماشای آن چراغان و تفرج گلزار و گلستان آتشی مینمایند .

قطعه

آسمان پر ز اختر می کشد بر روی خود	برده ای از دودهای این چراغان زانفصال
بر فراز این چراغان زمین گردیده است	آسمان و اختران تاریک و تیره چون سفال
بدرگشتی ز اقتباس این چراغان برفلك	میشدی مستغنی از خورشید اگر بودی هلال
مهر اگر طالع شدی در این چراغان فی المثل	مینمودی چون چراغی نزد خود وقت زوال
فخر دارد بر سما از این چراغان سطح ارض	زانکه دارد صد هزاران اختر روشن جمال

الحق تا فلك گردان بدیده مهر و ماه بر فضا نگرانست ، اینچنین چراغانی در هیچ عهد و زمان ندیده ، و سیاحان روی زمین که تماشا بیان عجایب و غرایب عالم اند ، از هیچ پادشاه دیجاهی این نوع چراغانی خبر نداده اند ، و در کتب تواریخ و سیر مورخین بلاغت گستر از

هیچ سلطان عظیم‌الشانى بیان چنین چراغانى نفرموده ، بالجمله شده‌هاى مذکور را در میان میدان بکثرت و جمعیت عظیم آورده ایستاده مى‌نمایند ، و ذاکران و مداحان حلقه حلقه شده ذکر میکنند و مدح می‌خوانند ، و قریب بدو ساعت آن چراغان روشن می‌باشند ، اعلیحضرت خاقان یوسف جمال بعد ازین مراتب بآیین مذکور از بالای اطاق و دیوار باشده‌ها مراجعت مینمایند ، و مقربان حضور و همراهان و افرانور بوظایف دعا و فاتحه پرداخته مرخص می‌گردند ، و صبح دهم محرم پادشاه یوسف طلعت کسوت سیاه پوشیده ، پای برهنه را بر خاک راه سوده ، جمیع اعیان و امرا و مقربان و وزرا و مجلسیان و اکثر ملازمان و چاکران همه سیاه پوش و برهنه پا و جمعی از غلامان خاص زاری و شیون کنان و فرقه‌ای از غریبان ذاکر و مداح مرثیه‌های پرسوز خوانده پیش پیش شده‌هایی که همراه هست بجانب الاوه حضور روان میشوند ، و اعلیحضرت خاقان زمان سینۀ بی‌کینه را بیت احزان و دیدۀ عزا دیده را گریان ساخته و از مقربان حضور و مردمان نزدیک و دور آواز نوحه و زاری برخاسته ، قریب سه‌هزار قدم راه را پای برهنه بتأنی طی نموده تا بمسجدى که متصل ایوان الاوه حضورست درمی‌آیند ، و در آن مسجد قرار می‌گیرند ، و قصه شهادت شهدای کربلا و گرفتاری سراپرده نشینان حرم محترم آن زبنۀ آل‌عبا و محروم ماندن از یار و مددکار در آن صحرا پر کرب و بلا استماع نمایند غریبو و غلغلۀ نوحه و گریه از خلائق برمیخیزد ، و از تصور و شنیدن آن مصائب دلها همه خوناب ، چشمها مثابۀ سیلاب می‌گردد .

ژوبشگاه علمى و مطالعات فرنگى
نظم

ز ماتم شهدا شور در جهان افتاد
بیوفتاد ز فرق سپهر افسر مهر
و بعد از اتمام قصه پر غصه شهادی کربلا خطیب فصیح عبارات دلپذیر و انشاء مسجع بی‌نظیر باواز بلند فاتحه ترویج ارواح شهدای دشت کربلا و حصول ثواب تعزیه و ماتم حضرت سیدالشهدا و خلود و دوام خسرو گیتی‌آرا می‌خواند ، و اعلیحضرت خاقان از مسجد مذکور برآمده بدولتخانه مراجعت مینمایند ، و زیارت حضرت سیدالشهدا و نمازی که درین روز عزا منقولست اشتغال می‌فرمایند ، و بعد از آن کندوری خاص و عام صرف نموده امر معلى صادر می‌فرمایند که دو بیست سید زاده یتیم که از پدران مهربان مایوس و محروم مانده اند ، پیدا کرده از جامه دارخانه عامره دو بیست دست رخت نفیس و هر یک را زری بدهند ، تا ثواب یتیم نوازی در آن روز غم اندوز عاید حال و شامل احوال خجسته مآل خسرو یوسف جمال سکندر اقبال

بشود، و در کل ممالک محروسه تلنگانه چه قلاع و بقاع و شهرها و بنادر مقررست که در ایام عاشورا در دیوانخانه‌ها شده‌ها برسرپای کرده‌ عمل و محال بمراسم تعزیه مشغول شوند ، و مبلغهای کلی بجهت اخراجات ایام عاشورا در سایر ممالک معین کرده و در دفترخانه پادشاهی از عهده‌داران و عاملان آن اخراجات محسوب و محراست ، و جمیع اهل اسلام از اعلی وادنی در منازل خود شده‌ها برسرپای کرده در ایام عاشورا رسم عزا بجای می‌آورند، و از میان‌وبرکت ولای مبرا از شایبه ریای اعلیحضرت خاقان یوسف جمال سکندر اقبالست ، که حوادث عظمی و بلیات کبری که باقتضای گردش فلک گردان و تأثیر سیر اختران نزول و ظهور می‌نماید ، باسهل وجهی بروفق مدعا و مرام مدفوع و با حسن طرزی بر طبق خواهش و کام مرفوع میگردد ، و آثار اعتقاد اعلیحضرت خاقان یوسف عذار سکندر اقتدار و نتایج محبان و شیعیان حیدر کرار و ائمه اطهار که متوطنان این دیارند ، شامل حال و اصل هنود مطیح‌الاسلام این بلاد مصون از فساد شده است ، و رسوخ عقیده این جماعت بیگانه ملت آشنا سیرت بمرتبه‌ایست که از واج و نسوان و دختران و پسران اغنیا و فقیران ایشان در ایام عاشورا غسل کرده ، کسوت پاکیزه پوشیده سبویهای شربت و قند و شکر بر خود گذاشته ، برابر ایوان الاوه می‌آیند ، و شربت بخادمان آنجا قسمت مینمایند ، و بطریق نذر شده‌های طلا و نقره و زر و سیم وافر می‌آورند ، و مطالب و مدعیات خود را به نیاز و اخلاص تمام استدعا میکنند ، و در آن سال اکثر ایشان موصول بحصول امانی و آمال خود میشوند ، و بسری که در ایام عاشورا متولد شود بحسین می‌نامند ، و جمعی از طبقات مسلمان و کافر که ابواب بخت و نصیب بر روی تعیش و زندگانی ایشان مسدود مانده ، قفلها بر لبان و دهان خود میزنند ، و در برابر ایوان الاوه بنهایت خضوع و غایت خشوع مسألت فتوحات مینمایند ، در شب دهم مجرم آن قفلها از لبان و دهان ایشان بخودی خود گشوده بنوعی که :

مصراع

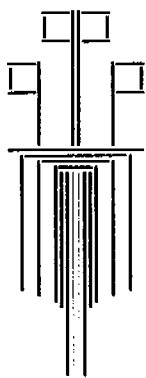
بیفتد قفل جایی پره جایی

و این صورت عجیب از کرامت روح مقدس حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام و الثنا مشهود و منظور آشنا و بیگانه ملت و منهد مبرگردد، و در آن سال ابواب کامرانی بروجنات زندگانی ایشان مفتوح میشود ، امیدورجا از حضرت خالق‌الاشیا چنانست که ظلال عاطفت و رأفت خسرو یوسف جمال سکندر اقبال بر رؤس کافه انام چه اهل کفر و فرق‌اسلام تا قیام الساعة القیام پاینده و مستدام باشد ، و جمیع عبده اصنام از تأثیر عقاید و نیات خسرو با ننگ و نام شرف

اسلام و سعادت و هب منزّه از لوث آثام حضرات ائمّه کرام عليهم صلوات الله الملك العالم دريابند.

قطعه

از يمن اعتقاد شهنشاه مهر چهر
چون مذهب ائمّه دين رايح از شهاست
گردد ز هند تيرگي كفر بر طرف
يابند كافران همه زين دين حق شرف»



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مدح النبي (ص) للسبطين

۱- في سنن الترمذی ان رسول الله (ص) اخذ بيد حسن و حسين و قال من احبني و احب هذين و اباهما و امهما كان معي في درجتي يوم القيمة . (اخرج هذا الحديث احمد في المسند و موفق الخوارزمي)

۲- عن اسامة بن زيد قال طرقت النبي (ص) ذات ليلة في بعض حاجة فخرج و هو مشتمل على شيئي لا ادري ما هو فلما فرغت من حاجتي قلت ما هذا الذي انت مشتمل عليه فكشفته فاذا حسن و حسين (ع) علي وركيه فقال هذان ابناي و ابنا ابنتي اللهم اني احبهما و احب من يحبهما .